

## قاتل دانیال به قصاص محکوم شد

مرد جوانی که فرزندخوانده خود را بعد از کودک‌آزاری به قتل رسانده بود با حکم دادگاه به قصاص و حبس محکوم شد.



جام جم آنلاین: مرد جوانی که فرزندخوانده خود را بعد از کودک‌آزاری به قتل رسانده بود با حکم دادگاه به قصاص و حبس محکوم شد.

به گزارش فارس، عصر روز 5 اردیبهشت سال گذشته، پیکر نیمه جان کودکی حدوداً 7 ساله توسط مرد ناشناسی به بیمارستان الغدير در شمال شرق تهران منتقل شد.

پزشکان پس از معاینه اعلام کردند دانیال به دلیل برخورد ضربه‌ای سخت به سرش به کما رفته است؛ تیم پزشکی بیمارستان تلاش گسترده‌ای برای نجات کودک خردسال به کار گرفت اما با توجه به وجود آثار کبودی و ضرب و شتم روی بدن «دانیال» مأموران کلانتری 136 فرجام در جریان حادثه قرار گرفتند.

مادر دانیال در تحقیقات پلیس گفت: شش سال قبل به دلیل اختلافاتی که با شوهرم داشتم، از او جدا شدم. دادگاه حضانت پسر را تا 7 سالگی به من واگذار کرد. امروز پسر در حال بازی بود که ناگهان تعادلش را از دست داد و از پله‌ها سقوط کرد. سریع او را به بیمارستان رساندم که پزشکان اعلام کردند او دچار مرگ مغزی شده است.

اظهارات زن جوان در حالی بیان شد که تحقیقات پلیسی و اظهارات مسئولان بیمارستان نشان می‌داد که مردی میانسال دانیال را به بیمارستان رسانده است.

پیوند اعضای بدن دانیال به چند بیمار نیازمند

اما با وجود تلاش تیم پزشکی، شامگاه 8 اردیبهشت مرگ مغزی دانیال خردسال از سوی پزشکان تأیید شد و با رضایت پدر «دانیال» اعضای بدنش به چند بیمار پیوند زده شد.

پدر دانیال هم در جریان تحقیقات به پلیس گفت: پس از جدا شدن از همسر و سپرده شدن حضانت دانیال به مادرش، مادرش به هیچ عنوان اجازه دیدن دانیال را به من نمی‌داد.

وی با بیان اینکه از همسر سابقش و ناپدری دانیال شکایت دارد گفت: حالا نیز خواستار اشد مجازات برای همسر و امید هستم.

پس از مرگ این کودک مادر او به پلیس آگاهی فراخوانده شد و زمانی که مقابل کارآگاهان نشست لب به اعتراف گشود و گفت: پس از جدا شدن از همسر اولم با مردی به نام امید آشنا شدم. او خود را مأمور معرفی کرد و پس از مدتی با هم ازدواج کردیم. دانیال رابطه خوبی با او نداشت و هر روز اختلاف آنها بیشتر می‌شد؛ روز حادثه آنها درگیری لفظی پیدا کردند و امید با دست ضربه‌ای به صورت دانیال زد که سرش محکم به دیوار خورد. بر اثر این ضربه صورت پسر زخمی شد که برای شستن صورتش به سمت دستشویی رفت، اما همان موقع امید لگدی محکم به او زد که این بار دانیال يك لحظه از زمین بلند شد، اما ناگهان از هوش رفت و روی زمین افتاد.

مادر دانیال گفت: امید که خیلی ترسیده بود، او را به بیمارستان رساند و بعد هم خیلی زود فرار کرد.

## دستگیری قاتل دانیال

تحقیقات کارآگاهان پلیس نشان داد که امید همراه مادر و دخترش در شرق تهران زندگی می‌کند که از روز حادثه دیگر به آنجا نرفته است. در ادامه اقدامات پلیس، محل تردد او در تهرانپارس شناسایی و با انجام تعقیب و مراقبت‌های نامحسوس، عصر روز 15 اردیبهشت وی در فلکه اول تهرانپارس دستگیر شد. در بازرسی متهم نیز مقداری مواد مخدر، يك رشته دستبند فلزی و اسپری اشک‌آور کشف شد.

در جریان تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی مشخص شد متهم در منطقه بازار تهران مشغول به کار بوده و در طول پنجسال زندگی با

مادر دانیال به دروغ خود را مأمور سازمان‌های دولتی معرفی کرده بود. متهم 15 سال به موادمخدر اعتیاد داشت و در جریان بازجویی‌ها به آزار و اذیت و کتک زدن «دانیال» به بهانه تربیت او اعتراف کرد.

با اعتراف متهم به قتل دانیال قرار مجرمیت او صادر و پرونده به شعبه 74 دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد که دوشنبه هفته جاری در این شعبه و به ریاست قاضی حسن تردست جلسه محاکمه برگزار شد.

در ابتدای جلسه، نماینده دادستان با بیان اینکه اتهام انتسابی به متهم محرز است، گفت: طبق اظهارات همسایه‌ها، متهم بارها اقدام به ضرب‌وشتم دانیال می‌کرده و با صدای بلند از دانیال می‌خواست است گریه کند. مادر دانیال نیز متهم به کودک‌آزاری است و طبق شواهد او هم دانیال را مورد آزار و اذیت قرار می‌داده است.

در ادامه جلسه پدر دانیال در حالی که به شدت گریه می‌کرد در جایگاه قرار گرفت و گفت: مادر دانیال او را از من مخفی می‌کرد و مدت‌ها بود که او را ندیده بودم. قرار بود مدتی بعد و با تمام شدن 7 سالگی دانیال او را با خود ببرم که این اتفاق رخ داد. مادر دانیال او را به من نمی‌داد ولی وقتی نیازمند پول شد با خواهرم تماس گرفت تا به او پول برسانیم.

مادر دانیال نیز در ادامه در جایگاه قرار گرفت و به عنوان یکی از اولیای دم خواستار قصاص قاتل فرزندش شد.

در ادامه جلسه متهم به قتل در جایگاه قرار گرفت و با بیان اینکه اتهام قتل را قبول دارد گفت: من دانیال را آزار نداده‌ام. او شب‌اداراری داشت و آن روز هم جایش را خیس کرده بود. دقایقی کنار من نشست و وقتی خواستم بروم حرف بدی به من زد که با دست به دهانش کوبیدم که سرش به سنگ آشپزخانه برخورد کرد. او را به دستشویی بردم تا صورتش را بشویم اما از حال رفت و به زمین افتاد و سرش به کاسه توالت خورد. بلافاصله به اورژانس زنگ زدیم. وقتی او را از دستشویی بیرون آوردم نبض نداشت و او را احیا کردم، اما می‌دانستم مرده است چون دستانش شل شد و افتاد. بعد هم او را به بیمارستان رساندیم.

اعتراف قاتل در دادگاه به سوزاندن دانیال

با تأکید متهم بر اینکه دانیال را مورد ضرب‌وشتم و سوزاندن قرار نداده است، قاضی تردست خطاب به متهم به آثار سوختگی و کبودی‌های زیاد روی بدن دانیال اشاره کرد که متهم در جواب گفت: قبول دارم که دانیال را سوزاندم البته فقط می‌خواستم او را تنبیه کنم اما کبودی‌ها کار من نبود.

متهم همچنین درباره اینکه چرا با خود دستبند و گاز اشک‌آور حمل می‌کرده است، گفت: عمل قلب انجام داده بودم و برای امنیت این کار را می‌کردم. هیچگاه خود را مأمور معرفی نکردم بلکه فردی که مرا به مادر دانیال معرفی کرد گفته بود من مأمور هستم.

بعد از عباس، صدیقه به اتهام کودک‌آزاری در جایگاه قرار گرفت و با بیان اینکه اتهام را قبول ندارد، گفت: اصلاً پسر من را اذیت نکردم و دوستش داشتم. سال 81 بود که با پدر دانیال ازدواج کردم. من پزشک‌یار بودم و کار می‌کردم اما همسر من به من گفت دوست ندارد سرکار بروم. مدتی بعد از ازدواج من حامله شدم. آن زمان درگیری‌های زیادی با شاهرخ داشتم، بچه که به دنیا آمد، همسر من را از من گرفت و من را از خانه بیرون انداخت. با واسطه اقوام ما آشتی کردیم اما دوباره با هم دعوا کردیم. این‌بار من دانیال را برداشتم و خانه را ترک کردم و در نهایت سال 85 بود که از شوهرم جدا شدم و حضانت دانیال تا 7 سالگی به من سپرده شد. در تمام این مدت خودم هزینه زندگی‌ام را تأمین می‌کردم اما می‌ترسیدم پدر دانیال او را از من بگیرد به همین دلیل خانه مادری‌ام را ترک و خانه دیگری را اجاره کردم. بعد از آن از طریق یکی از دوستانم با عباس آشنا شدم و به صورت صیغه‌ای به عقد او درآمدم.

جلوگیری متهم از خوابیدن دانیال به خاطر شب‌اداراری

مادر دانیال گفت: عباس دروغ‌های زیادی به من گفته بود. می‌گفت من را در سفارت ایران در سوئیس استخدام می‌کند. او خودش را مأمور امنیتی معرفی کرد و با دستبند و گاز اشک‌آور به خانه می‌آمد. می‌گفت ليسانس حقوق دارد و 10 واحد کودک‌آزاری پاس کرده است. او گاهی دانیال را کتک می‌زد، من عصبانی می‌شدم اما چون از عباس می‌ترسیدم، چیزی نمی‌گفتم. البته من نمی‌دانستم پسر من را سوزانده است.

وی درباره روز حادثه گفت: صبح زود بیدار شدم داشتم نماز می‌خواندم که دیدم دانیال جایش را خیس کرده، برای اینکه عباس متوجه نشود و او را اذیت نکند، لباس‌هایش را عوض و جایش را هم جمع کردم به پسر من گفتم برو در اتاق بخوابد همان موقع عباس بیدار شد و دانیال را مجبور کرد بیدار بماند.

مادر دانیال گفت: برای پسر صبحانه آوردم و بعد از آن عباس هم بیدار شد و صبحانه‌اش را خورد. ظرف‌های صبحانه را می‌شستم که صدای جیغ دانیال را شنیدم، با عجله به سمتش رفتم، دیدم دانیال را سوزانده است. دانیال را بلند کردم و به سمت سالن خانه آوردم. رفتم پماد سوختگی بیاورم که موقع برگشتن دیدم عباس چند ضربه پشت سرهم به دهان دانیال زد و سر دانیال محکم به دیوار آشپزخانه کوبیده شد. دماغش خون آمد و مشاگره ما بالا گرفت. دانیال را به دستشویی بردم که دماغش را بشوید، یکدفعه از حال رفت و به زمین افتاد.

وی درباره اینکه چرا در ابتدای تشکیل پرونده پنهان‌کاری کرده بود، گفت: از عباس می‌ترسیدم، به من گفته بود اسمی از او نیاورم اما وقتی افسر پرونده به من گفت او حتی حاضر نشده به خاطر من کارت شناسایی بیاورد، همه واقعیت را گفتم.

در ادامه این جلسه زن همسایه به عنوان شاهد به دادگاه گفت: من بارها و بارها شنیده بودم که متهم دانیال را کتک می‌زد و می‌گفت دانیال گریه کن می‌خواهم صدای گریهات را بشنوم.

سرانجام بعد از ختم جلسه، قاضی تردست و مستشاران دادگاه وارد شور شدند و در نهایت متهم ردیف اول را به اتهام قتل به قصاص و به اتهام کودک‌آزاری به 6 ماه حبس محکوم کردند. مشورت هیئت قضایی درباره اتهام مادر دانیال درباره کودک‌آزاری همچنان ادامه دارد.